روزنامه صبح ایران
# وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
سه‌شنبه | ۶ خرداد ۱۳۹۹ | ۳ شوال ۱۴۴۱ | ۲۶ مه ۲۰۲۰ | سال دوازدهم | شماره ۲۹۳۵ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰ تومان
۱۱۸۱ سال و ۲۰۲ روز گذشت
VATAN-E-EMROOZ | VOL.12 | NO.2935 | TUE.MAY.26, 2020 | ISSN:2008-2886

سیدشهرام شکیبا در گفت‌وگو با «وطن‌امروز» به بهانه انتشار کتاب جدید ابوالفضل زرویی نصرآباد:

## نصرآباد ادیبی تمام‌عیار بود

صفحه ۸

بیش از یکصد نویسنده آسیایی ـ آمریکایی با انتشار بیانیه‌ای ترامپ را عامل تشدیدحملات نژادپرستانه در آمریکا دانستند

## فتنه سفید کله زرد!

صفحه ۷

آغاز تحویل محموله بنزین ارسالی ایران به ونزوئلا
نفتکش فورچون در بندر «ال پالیتو» در غرب کاراکاس پهلو گرفت
نفتکش فارست نیز وارد آب‌های ونزوئلا شد
۳ نفتکش دیگر هم در روزهای آینده به ونزوئلا می‌رسند

# کاراکاس را ببوس

مانور اقتدار ایران در ارسال محموله بنزین می تواند تبدیل به الگویی برای شکستن نظام تحریم آمریکا شود

## مقاومت طلاست

درباره پیام‌های اقتصادی صادرات بنزین به ونزوئلا و فرصت طلایی پیش روی ایران

## تحقیر تحریم

صفحات ۲ و ۵

نمایی از نفتکش فورچون در بندر ال پالیتو

### تیترهای امروز

بر اساس مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا از صبح دیروز صحن‌های حرم‌های مطهر اهل بیت(ع) در ایران بازگشایی شد

## شکرانه زیارت

■ تعداد مرگ و میر کرونا در ۱۹ استان به صفر رسید

## کشور سفیدتر شد

صفحه ۴

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ اوراق بدهی دولتی هم به ابزارهای تأمین کسری بودجه اضافه شد

## یک قدم تا بازار باز

■ با انتشار اوراق بدهی دولتی، قدرت بانک مرکزی در مدیریت نرخ تورم بیشتر می‌شود

صفحه ۳

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ عملکرد بانک‌ها درباره سهام عدالت زیر ذره‌بین قرار گیرد

## کاسبان عدالت!

صفحه ۳

آمار بازار مسکن تهران در اردیبهشت‌ماه ۹۹ منتشر شد

## مسکن، متوسط متری ۱۴ میلیون

صفحه ۳

### دیدگاه

## راز ماندگاری ژنرال!

**امید گراوند*:** شاید حتی خود بیژن نامدار زنگنه هم پس از آن عملکرد اعجاب‌انگیز(!) در وزارت نفت دولت اصلاحات فکرش را نمی‌کرد که دوباره بر صندلی چسبناک این وزارتخانه تکیه بزند اما به هر روی حسن روحانی در شرایطی که وزارت نفت نیاز به مدیری کارآمد، پرتوان و با سابقه درخشان داشت، تصمیم گرفت «بیژن زنگنه‌ای» را که در آزمون پیشین وزارت نفت موفق نبود، دوباره بیازماید و به مجلس نهم معرفی کند. در نهایت سکان وزارت نفت برای دگربار به کسی سپرده شد که شاهکارهایش(!) از جمله پرونده کرسنت و استات‌اویل محل انتقادهای زیادی بوده است.

با توجه به عملکرد ژنرال بیژن در سال‌های ابتدایی دولت یازدهم، انتظار از مجلس، استیضاح جناب وزیر بود اما نه‌تنها زنگنه در مجلس نهم استیضاح نشد، بلکه در مجلس دهم هم با کسب ۲۳۰ رای موافق و تنها ۳۵ رای مخالف موفق شد برای دهمین بار رای اعتماد از مجلس شورای اسلامی بگیرد و برای چهارمین بار سکاندار وزارت نفت شود. اوایل آذرماه ۹۸ و پس از آغاز سهمیه‌بندی بنزین، نمایندگان مجلس طرح استیضاح وزیر نفت را آغاز کردند و این طرح با ۵۰ امضا به هیات‌رئیسه مجلس ارائه شد اما در نهایت استیضاح زنگنه به سرانجام نرسید و ژنرال بیژن تا امروز در این مسند باقی مانده است.

اما رمز و راز ماندگاری آقای زنگنه چیست؟ برای پاسخ به این پرسش باید در کارنامه کاری بیژن زنگنه مداقه کرد که آیا راز جلوس همیشگی او بر صندلی وزارت نفت عملکرد اوست یا باید این راز را در جایی دگر جست؟

■ **نگاهی گذرا به عملکرد زنگنه**

مرور کارنامه زنگنه که پیش از وزیر شدن در دولت یازدهم معتقد بود گروهان‌ها باید جای خود را به ژنرال‌های نفتی بدهند، نشان می‌دهد عملکرد او نه‌تنها جای دفاع ندارد، بلکه نقاطی بس تاریک در آن دیده می‌شود.

**یک)** اصرار بر محرمانه ماندن قراردادهای نفتی که ناقض حاکمیت ملی، در تضاد با منافع ملی و اقتصاد مقاومتی و عامل مدیریت خارجی‌ها بر مخازن کشور بود.

**دو)** اعتماد مجدد به شرکت فاسد توتال و امضای تفاهمنامه با این شرکت، با کارنامه‌ای پر از خیانت، جهت توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی که موجب شد اطلاعات فنی میدان در اختیار توتال قرار گیرد و توتال به بهانه تحریم‌ها از انجام تفاهمنامه امتناع ورزد و اطلاعات را در اختیار قطر قرار دهد تا این کشور بتواند برداشت از این میدان مشترک را به بیشینه مقدار برساند.

ادامه در صفحه ۶

### یادداشت

چرا تلاش جریان غربگرا برای انتساب ماجرای نفتکش‌ها به برجام خلاف حقیقت است

## افتخار مجاهدان روز شنبه!

**صادق فرامرزی:** ۱- مشهور است پس از به توپ بسته شدن مجلس توسط محمدعلی شاه قاجار و شکل‌گیری حلقه‌های مشروطه‌خواه در اقصی نقاط کشور، زمانی که بعد از ظهر جمعه ۲۴ تیر سال ۱۲۸۸ مجاهدان مشروطه‌خواه به رهبری ستارخان و باقرخان به تهران رسیده و ویرانه‌های مجلس را فتح کردند و علم مشروطه‌خواهی را بار دیگر افراشتند، ناگاه با جمعی جدید مواجه شدند که روز شنبه و یک روز پس از پناه بردن محمدعلی شاه به سفارت روسیه به خیابان‌ها ریختند و با مجاهد خواندن خود خواستار احقاق سهم و حقوق‌شان در این پیروزی شدند. همین امر باعث شد در ادبیات عمومی آن دوره، از این جمع به عنوان «مجاهدان روز شنبه» یاد شود؛ افرادی که پس از تحقق پیروزی مشروطه‌خواهان و اطمینان از آنکه دیگر مشروطه‌خواهی چوب خوردنی ندارد، به دنبال خوردن نان آن بر آمدند تا جایی در میان فاتحان برای خود باز کنند. پس از آن اتفاق بود که عبارت «مجاهدان روز شنبه» تبدیل به یک ضرب‌المثل سیاسی برای افرادی شد که پس از هر پیروزی یا اثبات هر فرضیه‌ای خود را به عنوان طرفداران آن گروه یا ایده معرفی می‌کردند.

**۲-** یکی از قاعده‌های رایج در سیاست دهه‌های اخیر ایران را می‌توان نسبت جریان غربگرا با ارتباط‌گیری با دولت‌های مستقل و ضدآمریکایی دانست، به گونه‌ای که برای مثال هر قدر رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و دولت‌های مورد غضب کاخ سفید در آمریکای لاتین عمق و گستره بیشتری پیدا کرده است، جریان غربگرا با انگیزه بیشتری به تخریب این رابطه و حتی تزریق بار منفی به آن پرداخته است. جریان غربگرا همواره مدعی بوده است ارتباط‌گیری با چنین دولت‌هایی نه‌تنها نمی‌تواند آورده سیاسی و اقتصادی خاصی برای کشورمان داشته باشد که ضدیت آنها با دولت آمریکا را به عنوان مانعی بر سر راه ارتباط با غرب توصیف کرده‌اند. نمونه مشخص دولت یازدهم به ریاست حسن روحانی و خط روشن این دولت برای برقراری ارتباط حداکثری با آمریکا و اروپا گواهی روشن از این امر است. فارغ از خط تخریبی جریان رسانه‌ای ـ فکری نزدیک به دولت در سال‌های گذشته برای تخریب هرگونه ارتباط با این دولت‌های مستقل و حتی همراهی با خط آمریکایی کودتا در کشورهایی نظیر ونزوئلا و بولیوی، می‌توان نوع برخورد حسن روحانی با این دولت‌ها را نیز شاهد مثالی بر این امر دانست. برای مثال در حالی که دولت‌های مستقل آمریکای لاتین در یک دهه اخیر و در بزنگاه‌هایی که تیغ تحریم زیر گلوی ایران فشرده می‌شد، از مهم‌ترین متحدان ایران به شمار می‌رفتند و حتی در برهه‌ای با ارسال محموله‌های سوخت تبدیل به پادزهر تحریم‌های خارجی قبل از خودکفایی در تولید بنزین شدند اما نخستین سفر حسن روحانی به کشورهای آمریکای جنوبی به پایان سومین سال ریاست‌جمهوری وی و آشکار شدن نقض آشکار برجام از سوی طرف‌های غربی بازمی‌گردد؛ سفری که حتی زمان آن نیز پیش از سفر به نیویورک و با بهانه اهدای ریاست جنبش غیرمتعهدها به رئیس دوره‌ای جدید این جنبش یعنی ونزوئلا بود. به صورت کلی مصادیقی از این دست را می‌توان مؤید بی‌اولویت خواندن حوزه استراتژیک آمریکای لاتین و چشم‌پوشی از سابقه دیرینه و روشن دوستی میان دولت ایران و دولت‌های مستقل آن منطقه به حساب آورد. کشورهایی که روزی تبدیل به یکی از مهم‌ترین مقصدهای سرمایه‌گذاری و صادرات ایران شده بودند، در سایه عینک نگاه به غرب آنقدر از چشم‌ها افتادند که جز یک دوری و دوستی فرمایشی ردی از آنها را نمی‌شد در تحولات پیدا کرد. دولتی که معتقد بود با دکترین کدخدامحوری باید چشم بر دوستان خود ببندد و باعث هیچ‌گونه سوءظنی برای آمریکا نشود، با ادبیاتی که دال مرکزی آن را گذشته‌ستیزی تشکیل می‌داد، برای آنکه هویتی در ضدیت با دولت سابق داشته باشد، حتی چشم بر حمایت جریانات حامی خود از کودتاهای آمریکایی در آن منطقه بست و از آن به عنوان آنچه رسانه نزدیکان دولت «عاقبت پوپولیسم» می‌نامید نیز درس عبرت گرفت.

**۳-** اکنون در شرایطی دولت تدبیر و امید آخرین سال زمامداری خود را طی می‌کند که میان ایده‌های سیاسی آن و واقعیتی که آن را به نظاره نشست، حفره‌ای پرناشدنی وجود دارد. روحانی در حالی که اجازه بی‌سابقه‌ترین تعاملات با آمریکا را یافت و نقشه راه نجات ایران را بر اساس آن طراحی کرد، به نقطه‌ای رسیده که سنگین‌ترین نظام تحریمی از سوی آمریکا را در مقابل دیدگان خود به تماشا نشسته است. پایان آرزوهای برجامی دولت در شرایطی که حتی کشورهای اروپایی کوچک‌ترین گامی برای التیام او پس از برداشتن بلندترین گام‌ها برنداشتند، کشور را در موقعیتی بی‌سابقه قرار داده است. به گونه‌ای که صادرات نفتی ایران حتی از صادراتی که در سال آخر دولت احمدی‌نژاد نیز تجربه شده بود پایین‌تر آمده و او در دنیایی که آن را بر اساس منطق قواعد مکتوب در رساله‌های حقوق بین‌الملل می‌سنجید، با شرایطی مواجه شده است که به گفته اسحاق جهانگیری فکر آن را هم نمی‌کردند. در چنین موقعیتی خبر حرکت ۵ نفتکش ایرانی به سمت ونزوئلا با پرچم‌های افراشته و اخبار ضدونقیض از ارسال محموله‌های طلا از سوی دولت ونزوئلا به سمت ایران تبدیل به یک نمونه موفقیت ضدتحریمی برای کشورمان شده است. گویا تقویت ارتباطات در بلوک تحریمی‌ها باعث شده شکافی کوچک اما تاثیرگذار بر نظام تحریمی آمریکا وارد شود. با این حال تلاش تیم رسانه‌ای دولت برای تبدیل کردن این اقدام هوشمندانه به ابزاری تبلیغی برای تطهیر پروژه برجام، بیش از هر چیز یادآور حکایت «مجاهدان روز شنبه» است! به بیان دیگر اگر الگوی بنزین در برابر طلا به عنوان رابطه‌ای میان ایران و ونزوئلا جا افتاده است و اگر انجام چنین مبادله‌ای تبدیل به خط یک رسانه‌های دنیا شده است، حکایت از شکست برجامی دارد که علت اساسی پذیرش آن از بین رفتن نظام تحریم‌ها بوده است. اگر برجام به دستاورد «تقریبا هیچ» خود رسید و کشورمان را در موقعیتی قرار داد تا چنین الگویی را پیگیری کند، نشان از لم‌یزرع بودن آن زمین بازی دارد. از قضا تاکید بر تقویت بازارهای دوجانبه و گسترش تعاملات غیرارزی با کشورهای نزدیک به ایران از جمله راهکارهایی بود که برای تضعیف نظام تحریم و در نهایت پر کردن دست ایران برای چانه‌زنی در مسیر رفع تحریم‌ها مورد تاکید منتقدان سیاست خارجی دولت بوده است. اگر دولت روزی برای پازل برجامی خود مبادلات موفق گذشته با دولت‌هایی نظیر ونزوئلا را از برنامه خود خط زد، امروز نمی‌تواند بابت بازگشت به آن مسیر طی‌شده برای خود دستاوردسازی کند. اگر امروز نفتکش‌های ایرانی می‌توانند هزاران کیلومتر با پرچمی افراشته به سمت حیاط خلوت آمریکا حرکت کنند و ارتش آمریکا به خود جرات توقیف آنها را ندهد، علت آن را باید در ورود مقتدرانه و مقابله به مثل ایران در توقیف سال گذشته نفتکش انگلیسی یافت. با این همه همانقدر که باید مانع مشروعیت‌بخشی «مجاهدان روز شنبه» از این تجربه موفق به تجربه ناموفق برجام شد، متقابلا نیز نباید از این مسأله غفلت کرد که تبدیل شدن تجربه ارسال نفتکش‌های ایران به ونزوئلا می‌تواند گامی جدی در راستای تضعیف نظام تحریمی آمریکا، تقویت بلوک تحریمی‌ها و گسترش مبادلات اقتصادی باشد.

### نگاه

## پرده‌برداری از یک سکوت هدفمند!

[ نوید مؤمن ]

به‌رغم تحریم‌های آمریکا، حرکت نفتکش‌های ایرانی حامل بنزین و فرآورده‌های سوختی به سوی ونزوئلا ادامه دارد و یک کشتی به مقصد رسید، کشتی دیگری وارد آب‌های ونزوئلا شد و ۳ کشتی دیگر هم در راه این کشورند. درباره عواقب و تبعات هرگونه اقدام غیرعقلانی واشنگتن علیه نفتکش‌های ایرانی در حوزه کارائیب و اقیانوس اطلس، هشدارهای متعددی از سوی مقامات کشورمان مخابره شده است اما آنچه در این برهه کمتر مورد توجه قرار گرفته، مربوط به نوع نگاه و پوشش اخبار حرکت نفتکش‌ها از سوی رسانه‌های غربی(آمریکایی/اروپایی) است. اکثر رسانه‌ها مانند «نیویورک‌تایمز»، به پوشش توصیفی ماجرا بسنده کرده و به روایت کلی ماجرا پرداخته‌اند. این رسانه‌ها، ضمن پررنگ ساختن هشدارهای حقوقی، قانونی و صریح کشورمان به واشنگتن درباره تعرض به نفتکش‌ها، درباره بروز منازعه جدید میان ایران و آمریکا هشدار داده‌اند. در مثالی دیگر، شبکه «دویچه‌وله» در گزارش خود درباره حرکت نفتکش‌های ایرانی به سوی ونزوئلا و تنش‌های ایجادشده میان تهران و واشنگتن در این باره می‌نویسد: «ایران در حال ارسال بنزین و فرآورده‌های نفتی به ونزوئلاست. ارزش این محموله‌ها، ۴۲ میلیون یورو برآورد می‌شود. ایالات متحده صادرات نفت هر ۲ کشور، یعنی ایران و ونزوئلا را تحریم کرده است. ونزوئلا یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان را دارد اما این کشور - در بحران شدید اقتصادی - به بنزین و سایر محصولات مرتبط نیاز دارد. ایران از تهدیدات آمریکا در مسیر تجارت دوجانبه با ونزوئلا شکایت دارد».

با این حال برخی رسانه‌های دیگر که وابستگی علنی‌تری به جریان‌های قدرت در آمریکا داشته‌اند، جمهوری اسلامی ایران را مقصر تنش‌های به وجود آمده در جریان حرکت نفتکش‌ها قلمداد کرده‌اند. به عنوان مثال شبکه «فاکس‌نیوز» که دارای گرایش‌های جنگ‌طلبانه و نومحافظه‌کارانه است، در این باره اعلام کرد: «خزانه‌داری آمریکا و نیروهای دریایی این کشور، از تلاش برخی کشورها از جمله ایران برای حمل‌ونقل غیرقانونی(!) در مسیرهای دریایی خبر داده‌اند. ایران و ونزوئلا در حال همکاری با یکدیگر برای دور زدن تحریم‌های آمریکا هستند. ظرفیت حمل سوخت نفتکش‌های ایرانی، ۱۷۵ هزار تن است. ایران به آمریکا هشدار داده اگر مانند دزدان دریایی رفتار کند(و به نفتکش‌ها تعرض کند)، پاسخ سختی دریافت خواهد کرد».

همان گونه که مشاهده می‌شود، رسانه‌های غربی در قبال پوشش ماجرای نفتکش‌های ایرانی، از ۲ روش «توصیف هدفمند» یا «متهم‌سازی ایران» استفاده کرده‌اند. «تهدید غیرقانونی آمریکا»، حلقه مفقوده‌ای است که تقریبا در هیچ یک از تحلیل‌ها و گزارش‌های ارائه‌شده از سوی رسانه‌های غربی مورد اشاره قرار نگرفته است. این ماجرا، کاملا روشن و مبرهن است!

ایران و ونزوئلا، به عنوان ۲ کشوری که مورد تحریم‌های یکجانبه نفتی ایالات‌متحده قرار گرفته‌اند، با استناد به اصول «تجارت دوجانبه» معاملاتی را با یکدیگر انجام داده‌اند. «تجارت دوجانبه» بر اساس اصول ارائه‌شده از سوی سازمان تجارت جهانی کاملا قانونی بوده و فاکتور «اراده طرفین» اصلی‌ترین نقش را در تبلور آن دارد. در چنین شرایطی، آمریکا به عنوان وضع‌کننده تحریم‌های غیرقانونی یکجانبه علیه تهران و کاراکاس، کمترین حق اعتراضی در این باره ندارد.

نکته مهم‌تر اینکه چنین تجارتی از طریق آب‌های آزاد بین‌المللی صورت می‌گیرد؛ آب‌هایی که آمریکا مالکیت و حاکمیتی بر آنها نداشته و ندارد! در چنین شرایطی مسجل است هرگونه تهدید واشنگتن علیه شکل‌گیری این رابطه دوجانبه، غیرقانونی و مصداق بارز «اخلال علیه اصول اقتصادی و تجاری» در دنیای امروز محسوب می‌شود. سوال اصلی اینجاست: چرا هیچ یک از رسانه‌های غربی که حتی از بعد توصیفی، ماجرای منازعه ایران و آمریکا بر سر حرکت نفتکش‌های کشورمان به سوی ونزوئلا را پوشش داده‌اند، کمترین اشاره‌ای به غیرقانونی بودن تهدیدات واشنگتن علیه تهران و کاراکاس نکرده‌اند؟! رویکرد وقیح رسانه‌ای فوق در حالی صورت می‌گیرد که اکثر رسانه‌های غربی حتی در قبال وقایع ساده و پیش پا افتاده در دنیا، «خبر» را همراه با «تحلیل» ارائه کرده و ابعاد مختلف آن را مورد بحث و واکاوی قرار می‌دهند.

امتناع اکثریت قریب به اتفاق رسانه‌های غربی از پرداختن به «جنبه حقوقی تهدیدات آمریکا» علیه نفتکش‌های ایرانی، از پیوند اضلاع سیاسی- رسانه‌ای جریان‌های قدرت در غرب پرده برداشته است. اگرچه رسانه‌های غربی همواره مدعی استقلال از دولتمردان و صاحبان اصلی قدرت در کشورهای خود هستند اما در بزنگاه‌های سیاسی و در جریان منازعات تعیین‌کننده، به مهره‌های شطرنج مقامات آمریکایی و اروپایی تبدیل می‌شوند. واقعیت امر این است که صاحبان قدرت در غرب، نسبت به «الگوسازی تهران-کاراکاس» برای ایجاد پیوندهای «دوجانبه» یا «چندجانبه» اقتصادی، آن هم در دوران اعمال تحریم‌های یکجانبه آمریکا بشدت هراسان هستند. اتحاد کشورهای تحریم‌شده از سوی آمریکا و شکل‌گیری پیوندهای اقتصادی مستمر میان آنها، راه موثری در مواجهه با این تحریم‌های غیرقانونی محسوب می‌شود. فراتر از آن، ایده «شکل‌گیری بلوک کشورهای تحریم‌شده»- که از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد تاکید قرار گرفته است- ترس مزمن مقامات آمریکایی درباره «بی‌اثر شدن تحریم‌های یکجانبه آنها» را تقویت کرده است. در این آوردگاه، رسانه‌های غربی نیز به یاری سیاستمداران خود شتافته‌اند تا مبادا در آینده نزدیک، ناچار به پوشش اخبار «افول قدرت آمریکا» در اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه دیگران باشند! البته به‌رغم این تلاش وقیح و مشمئزکننده رسانه‌های غربی، آنها در آینده ناچار خواهند بود «آمریکای تهی از قدرت» را مقابل دیدگان مخاطبان خود به تصویر بکشند!